

فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH19K820950

ISSN-P: 2676-6442

واکاوی حقوقی مالکیت در راستای تقسیم و فروش مال مشاع با مذاقه در قوانین ماهوی مالکیت مشاعی در نظام مالکیت فکری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۹)

مصطفی صفری ابری

چکیده

مال مشاعی وضعیتی از مالکیت است که بین افراد متعدد سهمی از مالکیت در یک مال به وجود می آید، به طوری که همه آنها به صورت مشترک در خصوص آن، دارای مالکیت میباشند. از یک طرف افراد دارای مالکیت میباشند و از طرف دیگر نمی توانند سلطه کامل به آن مال داشته باشند. حال این وضعیت در قلمرو مالکیت فکری، شرایطی مخصوص به خود میگیرد. این پژوهش بر آن است تا رویکرد نظام حقوقی ایران را در خصوص مالکیت مشاعی در حوزه مالکیت فکری مورد بررسی قرار دهد. به طور کلی می توان بیان نمود که نظام حقوقی ایران، از قواعد عام حقوق مدنی در این خصوص استفاده می کند و همچنین قوانینی خاص در حوزه مالکیت مشاع در مالکیت فکری دارد و با ارائه قواعد شکلی و عرفی نیز کمک شایانی در حل تعارضات حقوقی متعدد نموده است. این مقاله علمی، با شیوه توصیفی تحلیلی و به روش مطالعات کتابخانه ای و ابزار فیش برداری به مطالعه پرداخته و نتایج حاصل از کار پژوهشی و میدانی را استنتاج نموده است.

واژگان کلیدی: مالکیت مشاعی، مال مشاع، نظام حقوقی ایران، حقوق نوین

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه و تشریح ابعاد علمی موضوع

حوزه حقوق مالکیت فکری یکی از موضوعات نوین در علم حقوق می باشد که ماهیت موضوع در آن که مالکیت فکری یا مالکیت معنوی می باشد، از ویژگیهای برجسته ای برخوردار است که این ویژگی ها، جایگاه این موضوع را در علم حقوق با پیچیدگی های فراوانی روبرو می کند. در حوزه مالکیت فکری یا مالکیت معنوی با دو حقوق سر و کار داریم. یک قسم حقوق مالی است و قسمی دیگر حقوق غیر مالی و مرتبط با شخصیت خلق کننده اثر. با توجه به اینکه حقوق مالکیت فکری به طور کلی منقسم به دو موضوع و حوزه مالکیت ادبی هنری و مالکیت صنعتی میگردد، به طور کلی مجموعه کالاها و خدمات فکری تولید شده در این دو حوزه، جای دارد. با توجه به ویژگی هایی که در خصوص به عنوان مثال یک اثر ادبی مثل یک کتاب یا مقاله وجود دارد، مالکیت در خصوص آن با مالکیت با سایر حوزه های حقوقی، تفاوتی بنیادین دارد. به عنوان مثال در خصوص یک ملک مالکیت به صورت مطلق می باشد ولی در خصوص یک کتاب خلق شده توسط صاحبش، مالکیت مطلق نبوده و به صورت دائم نمی باشد و کاملاً متزلزل بوده و منوط به رعایت تشریفات ثبتی بوده و بعد از رعایت تشریفات ثبتی مدت زمان محدودی کتاب خلق شده تحت سیطره و سلطه مالک و خالق اثر بوده است و بعد از گذشت این مدت زمان، از انحصار و استیلا و مالکیت وی خارج می گردد. ویژگیهای منحصر به فرد این شاخه نوین حقوق، زمانی پیچیدگی هایش بیشتر می گردد که موضوع اثر خلق شده، مشترکاً بین دو یا چند نفر صورت پذیرد. اکنون شرایط و احکام و آثاری که از این حالت استخراج می گردد در هاله ای از ابهام قرار میگیرد. با توجه به تبیین این قسمت از موضوع به سراغ تبیین قسمت دیگر موضوع می رویم و در نهایت و انتها به تبیین مساله اصلی می پردازیم.

اشاعه در لغت به معنای نشر دادن و پراکنده کردن است و در اصطلاح حقوقی به معنای انتشار سهم هر یک از مالکان و صاحبان حق در تمام مال یا حق است و منظور از مشاع، آن است که مالکیت هر یک از شرکا محدود به جزء خاص و معینی از شیء مورد مشارکت نباشد، بلکه به کل آن تسری دارد. بدین معنی مشاع در برابر مال مفروز به کار می رود. مراد از مال مشاع نیز مالی است که به دو شخص یا بیشتر تعلق دارد. در مال مفروز، کل شش دانگ ملک متعلق به یک شخص می باشد و تمامی اجزای آن متعلق به آن شخص است. در حالت اشاعه نیز مالکیت شرکا در تمام اجزا و ارکان مال است به نحوی که هر جزئی از مال که در نظر گرفته شود کلیه شرکا در آن سهم هستند و هیچ شریکی نمی تواند نسبت به جزئی از مال ادعای انحصاری داشته باشد. اشاعه هم می تواند در حقوق عینی باشد مثل مالکیت بر اموال منقول و غیرمنقول و هم در خصوص حقوق دینی؛ مثل ثمن در ذمه راجع به اموال مشاعی. سبب اشاعه نیز ممکن است اختیاری یا قهری باشد. اقتضای مالکیت، داشتن اختیار تام و کامل برای انحای تصرفات است و قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» که به قاعده تسلیط معروف است و مفاد ماده ۳۰ قانون مدنی هم بر این اصل دلالت دارد که هر مالکی می تواند هر نوع تصرفی را که بخواهد در مال خود بنماید. در مالکیت مشاعی این اختیار برای کل شرکا با هم شناخته شده است، اما اختیار هر یک از شرکا به تنهایی محل بحث است ولی در شرکت با آن که هر یک از شرکا مالک مال مشاع هستند، خاصیت انحصاری بودن مالکیت وجود ندارد و این صورت خاصی از مالکیت است که با مالکیت به معنی اخص حقوقی از نظر احکام تفاوت دارد. تصرفات مالک می تواند به دو نوع صورت گیرد تصرفات حقوقی، تصرفات مادی.

الف) تصرفات حقوقی: منظور از تصرفات حقوقی هر نوع تصرف اعتباری و انجام معاملات و نقل و انتقالات اعم از عین یا منفعت نسبت به مال مشاع است. این معاملات ممکن است نسبت به سهم

خود شریک باشد. ماده ۵۸۳ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر یک از شرکا می‌تواند بدون رضایت شرکای دیگر، سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل کند؛ زیرا بر طبق قاعده کلی هر مالکی می‌تواند در ملک خود هر نوع تصرفی را به انجام رساند و ملک یادشده را به شخص یا اشخاص مورد نظر منتقل کند و یا نسبت به سهم شرکا که بر اساس ماده ۵۸۱ قانون مدنی، از نظر حقوقی این تصرفات از جهت آن که تصرف در اموال دیگران است فضولی می‌باشد و بنابراین تابع اجازه بعدی آن‌ها خواهد بود. ماده ۵۸۱: «تصرفات هر یک از شرکا در صورتی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود.»

ب) تصرفات مادی: تصرفات مادی ممکن است به منظور اجراء یک عمل حقوقی تشکیل یافته، انجام گردد یا آن که هیچ‌گونه ارتباطی با تصرفات حقوقی و اعمال حقوقی نداشته باشد و نیز ممکن است بدون اذن شرکا دیگر به عمل آید یا با اذن ایشان انجام شود که هر یک احکام خاص خود را دارد. کوتاه آن که هیچ‌یک از شرکا، قانوناً نمی‌تواند بدون اذن سایر شرکا در مال مشاع تصرف کند؛ مع الوصف هرگونه تصرف مادی با اذن شرکا دیگر در مال مشاع، تصرفی مجاز است. عقیده فقهای امامیه این است که هر شریک بدون اذن سایر شرکا حق تصرف در مال مشاع را ندارد و ماده ۴۷۵ قانون مدنی در همین راستا تسلیم عین مستأجره را به مستأجر، موقوف به اذن شریک می‌نماید.

از جهت قواعد و اصول کلی نیز می‌توان به عدم جواز تصرف مادی شریک بدون اذن شرکا دیگر قائل شد؛ زیرا در شرکت، حقوق متعدد مالکیت در آن واحد بر یک شیء استقرار پیدا می‌کند و تصرف مادی هر شریک در مال مشاع، هرچند تصرف در موضوع حق مالکیت خود اوست، لکن این تصرف عیناً با تصرف در حق مالکیت شرکا دیگر ملازمه دارد و مسلم است که عدم جواز تصرف در حقوق دیگران، تصرف مادی مورد بحث را غیرقانونی می‌سازد.

اکنون در این پژوهش بر آن هستیم که ابتدائاً نظام حقوقی ایران را در خصوص تقسیم و فروش مال مشاع مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و احکام و قوانینی که در این حوزه وجود دارند مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند. سپس بعد از تبیین این مهم، به سراغ حوزه مالکیت فکری می‌رویم و بیان می‌داریم که در موضوع اثر خلق شده‌ای، دو یا چند نفر به صورت مشاعی اثر را خلق کرده باشند، با توجه به آنکه ویژگی‌های مالکیت در حوزه مالکیت فکری تفاوت‌های بنیادینی با مفهوم مالکیت در سایر حوزه‌های حقوق داشته است، اکنون اگر این مالکیت متفاوت حالت مشاعی به خود بگیرد چه وضعیت حقوقی پیدا می‌کند و از چه ویژگی‌ها و احکام و آثاری تبعیت می‌نماید. لازم به ذکر است که در این زمینه به طور مجزا آیین نامه اجرایی و نظریه مشورتی وجود دارد که در طول تحقیق بدانها به صورت مفصل پرداخته می‌شود.

• سوالات تحقیق

سوال کلی و اصلی: رویکرد نظام حقوقی ایران در خصوص مشاع بودن مالکیت در حوزه حقوق مالکیت فکری شامل چه مواردی می‌باشد؟

• فرضیه‌های تحقیق

فرضیه کلی و اصلی: نظام حقوقی ایران مشاع بودن مالکیت در حوزه حقوق مالکیت فکری را با رعایت قوانین شکلی و ماهوی مجاز میداند.

• اهداف تحقیق

هدف کلی و اصلی: شناخت رویکرد نظام حقوقی ایران در خصوص مشاع بودن مالکیت در حوزه حقوق مالکیت فکری. این تحقیق با توجه به گستردگی که در خصوص مبتلی به کردن آحاد

جامعه را دارد میتواند در بسیاری از سازمانها و نهادها که در خصوص اموال و ساخت و سازهای املاک فعالیت دارند، دارای اهداف کاربردی وسیع باشد. همچنین سازمان ثبت آثار ادبی و هنری و سایر سازمانهای مربوطه از دیگر سازمانهایی هستند که میتوانند مرتبط با موضوع تحقیق و پژوهش حاضر باشند.

بخش دوم: اهمیت و ضرورت پژوهش

لازم به ذکر است با توجه به ماهیت مال مشاع و اشتراک تمامی مالکین در تمامی اجزای مال موضوعه، تا کنون اختلاف نظرهای فراوانی صورت گرفته است و با وجود این که تحقیقات بسیاری انجام گرفته، هنوز اختلاف نظرها در روند دادرسی های مرتبط با این موضوع اخلاف و اختلاف ایجاد نموده است و لذا ضرورت این تحقیق به وجود می آید تا با تبیین و تحلیلی متفاوت بتوان ابعاد اختلافی در این زمینه را رفع نمود و یکی از چالشهای جدید بشر در زندگی شهری را رفع کرد. همچنین در حوزه مکالکیت فکری مفهوم مالکیت هنوز با هاله ای از ابهام و تردید برخورد دارد و اگر حالت مشاعی به خود بگیرد می تواند زمینه ساز اختلافات و دعاوی حقوقی قرار گیرد و با توجه به نبود رویکرد حقوقی و نبود هیچ عرف و رویه و قانونی در این زمینه، اختلافات به صورت حل نشده باقی بماند، لذا لازم و ضروری است تا این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و وضعیت حقوقی مالکیت در حوزه حقوق مالکیت فکری به شکل مشاعی آن مورد تبیین قرار گیرد. این تحقیق با توجه به اینکه طبقه بندی جدیدی و تعریفی نوین ارائه میدهد و با بررسی ابعاد حقوقی آیین نامه های اجرایی و نظریه های مشورتی، دیدگاه و رویکردی نوین ارائه میکند به منظور حل مساله تقسیم و فروش مال مشاع و روش و رویکرد نوین این پژوهش از جمله جنبه های جدید بودن این تحقیق میباشد و به موارد مختلف ماهوی نیز در خلال تحقیق اشاره میگردد. همچنین با توجه به اینکه مالکیت در حوزه مالکیت معنوی و فکری با هاله ای از ابهام قرار

دارد و همچنین حالت اشاعه و مشاعی در آن مورد توجه هیچ یکی از محققان تا کنون نبوده است و هنوز ویژگی ها و احکام و آثار حقوقی آن به صورت واضح مورد تبیین و تحلیل و بررسی قرار نگرفته است لذا این تحقیق دارای جنبه جدید بودن و نوآوری منحصر به فرد خویش را دارد.

بخش سوم: سوابق تحقیق

محقق اسماعیلی و همکاران در پژوهش خویش به بررسی وضعیت مالکیت در حوزه حقوق مالکیت معنوی و فکری پرداخته و تصریحاً به بیع و مالکیت در این حوزه پرداخته و تصریحاً به حالت مشاع نیز اشاره ای مختصر دارد که بیان میدارد: اموال فکری جزو حقوق مالی غیرمادی هستند که امروزه موضوع داد و ستدهای فراوان قرار می گیرند. لیکن فقدان قوانین و مقررات روشن در این خصوص، باعث بروز اختلاف نظرهای زیادی در تبیین ماهیت حقوقی این قراردادها شده است. در حالی که پرواضح است چنان چه بتوان این داد و ستدها را در قالب عقدی مثل عقد بیع که ماهیت، احکام و آثار آن در تمام نظامهای حقوقی روشن است تبیین نمود، قسمت عمدهای از این پراکنده گویی ها برطرف می شود. با بررسی و تجزیه و تحلیل عناصر تعریف عقد بیع طبق ماده ۳۳۸ قانون مدنی و تعاریف موجود در فقه از نقطه نظر مبیع، یعنی مالیت داشتن مبیع، قابلیت تملک مبیع و هم چنین مفهوم عین در تعریف فوق از یک طرف و از طرف دیگر اوصاف اساسی مالکیت، ماهیت اموال فکری و نیز چستی رابطه ی بین اموال فکری و دارندهی آن، این نتیجه حاصل می شود که واگذاری این اموال در قالب عقد بیع امکانپذیر بوده و هیچ تعارضی با نظام حقوقی ما ندارد. (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۳)

محقق رحیمی در پژوهش خویش تحت عنوان چالشهای تقسیم مال مشاع به بررسی ابعاد حقوقی تقسیم و فروش مال مشاع میپردازد و در این حوزه به طور کلی بیان میدارد که: موضوع این مقاله بررسی چالش های تقسیم مال مشاع می باشد. با سیری در زندگی بشریت؛ می بینیم که انسان از

آغاز تولد تا لحظه ی مرگ و حتی پس از آن دارای حقوق مختلفی می باشد مثل حق آزادی، حق انتفاع و... یکی از حقوقی که بسیار مهم بوده و افراد جهت کسب آن تلاش و رقابت زیادی با هم می کنند حق مالکیت است و هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. مالکیت، که از موضوع های مهم حقوق خصوصی است، ممکن است مفروز باشد یا مشاع. اشاعه؛ یعنی مالکیت مشترک دو یا چند نفر در یک زمان و در یک مال؛ به نحوی که حق هر یک از مالکان در هر جزء و ذره از مال موجود، آمیخته با حق مالکان دیگر باشد، اعم از اینکه اشتراک مالکیت قهری باشد (ارث) یا ارادی (شرکت، بیع، صلح). در این صورت، حدود اختیارات مالکان مشاع در تصرفات مادی و حقوقی و حقوق و تکالیف قانونی ایشان در قبال یکدیگر محل بحث و تعمق است. یکی از این حقوق، انتقال و تقسیم و افراز سهم مشاع از سهم دیگران است که نه تنها از دیدگاه اراده و رضایت مالکان، بلکه از جهت راه های پیش بینی شده در قانون و همین طور با توجه به نوع مال مشاع، قابل بحث و بررسی است. این پژوهش مباحث را در طی دو فصل بیان می کنند و نتیجه ای را که می توان پس از بررسی ها و مطالعات صورت گرفته بیان نمود این است که دو مرجع برای رسیدگی به افراز مال مشاع صلاحیت دارند: مرجع اول محاکم دادگستری می باشند که صلاحیت محاکم در مواردی است که بین مالکان، محجور یا غایبی باشد و مرجع دوم ادارات ثبت می باشند که ادارات ثبت صرفاً زمانی صلاحیت رسیدگی به این درخواست را دارند که عملیات ثبتی خاتمه پیدا کرده باشد. همچنین از جمله مهمترین چالش های تقسیم مال مشاع در نظام حقوقی ایران مواردی از قبیل: در املاک مشاعی هر یک از مالکین استقلال در تصرف و بهره برداری بدون اذن سایر شرکاء را ندارد و موسسات مالی و بانک ها فقط اسناد مالکیت شش دانگ را به عنوان وثیقه می پذیرند، فلذا اسناد مشاعی املاک ارزش پشتوانه ای کمتری نسبت به اسناد شش دانگ دارند. همچنین در اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا چنانچه ملک از طریق عملیات اجرایی واگذار شود اگر آن شش دانگ

باشد اقدام به تخلیه و تحویل می شود ولی در املاک مشاعی فقط تحویل انجام می گردد و اکثر مراجع قضایی از پذیرش املاک مشاعی به عنوان تضمین و وثیقه خودداری می نمایند. (رحیمی، ۱۳۹۹)

محقق میرشکاری و همکاران در پژوهش خویش تحت عنوان هبه مال مشاع در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران به صورت غیر مستقیم به بررسی ابعاد حقوقی تقسیم و فروش مال مشاع میپردازد و در این حوزه به طور کلی بیان میدارد که: مال مشاع، مالی است که دو یا چند نفر مشترکاً مالک جزء جزء آن هستند. تصرفات مادی هر شریک ولو به میزان حصه خود منوط به اذن دیگران و بدون آن ضمان آور می باشد. در مقابل، کلیه تصرفات حقوقی شریک نسبت به سهم خود نافذ می باشد و نیاز به اذن دیگران ندارد. با این وجود نسبت به هبه مال مشاع جای بحث وجود دارد؛ زیرا برای انعقاد آن علاوه بر توافق متعاملین (بعنوان تصرف اعتباری)، قبض مال موهوب (بعنوان تصرف مادی) لازم است. در فقه و حقوق ایران راجع به موضوع مورد بحث دو دیدگاه کلی وجود دارد. دیدگاه نخست، بین اموال «قابل تقسیم و غیرقابل تقسیم» و همچنین «منقول و غیرمنقول» قایل به تفکیک می شود و بر اساس همین تفکیک، درباره اعتبار هبه مال مشاع داوری می کند. در مقابل این دیدگاه، باور دیگری وجود دارد که هبه مال مشاع را صحیح می داند بدون آنکه بین اموال مشاع از جهات یاد شده تفاوتی قایل شود. البته در این دیدگاه نیز، درباره کیفیت قبض مال مشاع اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی بر لزوم اخذ اذن سایر شرکا اصرار می کنند، برخی با تخلیه مال از سوی شریک، قبض را محقق شده می دانند و در نهایت، عده ای با طرح مفهوم قبض معنوی، امکان تسلط متهب بر مال موهوب را کافی تلقی می کنند. در حقوق ایران، نص ویژه ای در قانون مدنی پیش بینی نشده است، با این حال، بنظر می رسد با استناد

به کفایت سلطه معنوی برای تحقق قبض و عدم نیاز به قبض مادی، صحت هبه مال مشاع قابل پذیرش است. (میرشکاری و همکاران، ۱۳۹۹)

محقق نصرتی در پژوهش خویش تحت عنوان تحلیل حقوقی تصرفات شریک در مال مشاع به بررسی ابعاد حقوقی تقسیم و فروش مال مشاع میپردازد و در این حوزه به طور کلی بیان میدارد که: مطابق با ماده ۳۰ قانون مدنی هر مالک می تواند در مایملک خود هرگونه تصرفی بنماید. ماده مذکور که مبتنی است بر قاعده فقهی تسلیط، مطلق نیست. قانونگذار برای حفظ نظم و عدالت آن را محدود ساخته است، لذا در ادامه ماده فوق مقرر داشته «مگر تصرفاتی که قانون استثنا کرده باشد» عدالت اجتماعی و ضرورت پیشگیری از نزاع بین مردم ایجاب می کند که هیچ کس نتواند بواسطه تصرف در مال خود به غیر ضرر برساند مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا ضرر از خود باشد. براساس اصل اولیه و کلی مبنی بر اینکه هیچ کس حق تصرف در مال دیگری ندارد الا با اذن و اجازه مالک. مقتضای اولیه تصرف و استیلا بر مال غیر این است که علاوه بر رفع تصرف متصرف در مقابل مالک مسئول باشد و در صورت تلف یا ورود خسارت یا نقص باید از عهده خسارت برآید به عبارت دیگر، متصرف باید جبران خسارت کند. محدودیت حاصل از مالکیت جمعی، مالک را در بهره برداری و تصرف در آن باز می دارد و رابطه او با مالش را تابع اصول خاص می سازد به نحوی که اقدام خارج از آن اصول و مقررات، فاقد اعتبار و گاه موجب ضمان و مسئولیت می باشد. هدف از بررسی موضوع «تصرفات شریک در مال مشاع» آن است که بدانیم اصول فوق الذکر راجع به مالکیت مشاعی تا چه حد قابلیت اعمال دارد و نیز با چه تنگناهایی همراه است. (نصرتی، ۱۳۹۷)

بخش چهارم: روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به صورت روش توصیفی _ تحلیلی با رویکرد تطبیقی و مقایسه ای می باشد. که در این پژوهش به توصیف و تحلیل پرداخته است. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات و داده ها از روش کتابخانه ای استفاده شده است. به منظور جمع آوری اطلاعات و داده ها در این زمینه از طریق بررسی اطلاعات و داده ها در این زمینه از طریق بررسی مقالات علمی _ پژوهشی، مجلات تخصصی، پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی، کتب دست اول، قوانین و مستندات قانونی، مشاهده و بررسی سایت های اینترنتی و منابع الکترونیکی است. ابزار و گردآوری اطلاعات با استفاده از فیش برداری و نکته برداری از کتب و مقالات حقوقی، تطبیقی و منابع معتبر موجود در سایت های اینترنتی و منابع الکترونیکی می باشد. در این پژوهش از شیوه ی توصیفی _ تحلیلی که در آن قوانین و مستندات قانونی، نظرات حقوقدانان و جرم شناسان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است به صورت تطبیقی بهره برداری میشود.

بخش پنجم: یافته های پژوهش

بند اول: قواعد عام در خصوص مالکیت مشاع در مالکیت فکری

در مبحث اول به قواعد عام حقوق مدنی که در این خصوص وجود دارد اشاره می کنیم و در نهایت بیان میداریم که احکام و آثار وضعیت مالکیت مشاعی در مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران، تابع قوانین حوزه حقوق مدنی است و قانون مدنی پیشتر توانسته است این موضوع را رفع و حل و فصل نماید. درباره رابطه ی بین موضوع مالکیت فکری و دارنده آن، نظریات مختلفی وجود دارد. منصرف از نظریاتی که اصولاً خود موضوع و این رابطه را منطبق با نظام حقوقی اسلام

نمیدانند و دلایل سستی در این خصوص ارایه می کنند؛ باید گفت در این خصوص دو نظریه وجود دارد:

۱- نظریه حق مالکیت ۲- نظریه حق مالی. روشن است که تفاوت بین این دو در میزان اختیارات صاحب حق و مالک است و پذیرش هر کدام از آن ها آثار مختلفی داشته و در نتیجه ی بحث مؤثر خواهد بود. اما نظریه های که در این پژوهش مورد پذیرش واقع شده، مالکیت است و تلاش می شود استدلالات و مبانی پذیرش این نظریه تبیین گردد. مهم ترین دلیلی که باعث می شود این رابطه را در قالب حق مالی توجیه کنند موقتی بودن آن است. در واقع این عده راحت ترین راه ممکن را انتخاب نموده و خویش را از معرکه ی استدلال رها شد.

مبنای مشروعیت مالکیت امر فکری این است که آن امر فکری بر اثر کار پدید آورنده حاصل شده است:

۱- خداوند جهان را به: است. این نظریه در غرب برای اولین بار توسط جان لاک مطرح شد. به این صورت که صورت مشترک به نوع بشر داده است.

۲- هر شخصی بر خود مالکیت دارد.

۳- کار هر شخصی و طبیعتاً اثر و نتیجه آن کار متعلق به خود او است.

۴- هر کس کار خود را با مشترکات درآمیزد آن را ملک خود کرده است.

۵- هر چند پیروان و. حق مالکیت مشروط به این است که اسراف نکند و چیزی از مشترکات برای دیگران بگذارد. مفسران این نظریه خود دارای اختلافاتی هستند، اما مبنای مورد قبول نظریه برای همه به طور مختصر آن است که انسان مالک خودش و کار خودش است و وقتی با کار خود و با

حیازت در مشترکات جهان، چیز جدیدی را خلق می کند و به جهان می افزاید، مالک آن است. مشابه این نظریه در فقه نیز وجود دارد. با این توضیح که انسان نسبت به اعضا و جوارح خود مالکیت تکوینی دارد. لذا ایده ها و آفرینه های فکری، از جمله کارهای انسان است که او نسبت به آن ها مالکیت و سلطه دارد و این مالکیت ذاتی است، نه اعتباری. بر همین مبنا و به ارتکاز عقلایی، انسان از راه کار و حیازت نسبت به دستاوردهای بیرونی و ذهنی خود حق اولویت و اختصاص در تصرف پیدا می کند (مالکیت) و این حق مالکیت حتی نیاز به جعل اعتبار ندارد. نظریه بعدی، نظریه اصالت منفعت است.^۱ در این رویکرد، سخن از آن است که فقط با حمایت از مالکیت فکری در جایگاه حق انحصاری پدید آورنده، دانش پیشرفت خواهد کرد و توسعه علم و رفاه حاصل خواهد شد. پدید آورنده فکری هنگامی دست به تولید آثار فکری می زند که بداند با صرف وقت و هزینه، در وضعیت بهتری قرار میگیرد و این امر جز با حمایت از مالکیت فکری حاصل نخواهد شد. مبنای شخصیت نیز یکی دیگر از نظریات طرح شده است. این نظریه به جای تاکید بر عنصر کار یا منفعت، تمام توجه خود را به شخصیت و حقوق مرتبط به شخصیت معطوف می دارد. به دیگر سخن، نظریه شخصیت تلاش می کند تا امتیاز مالکیت فکری را از طریق تحلیل شخصیت افراد به دست آورد. ناشر به نیابت از نویسنده پیام او را به عموم می رساند. آن چه ناشر از نویسنده کسب میکند تحصیل اجازه رساندن پیام است و اگر نویسنده از ناشر وجهی دریافت میکند در ازای چنین اذنی است. اما در نظام فقهی نیز در این خصوص سه دیدگاه وجود دارد:

۱- نفی موضوع: اگر برای مالکیت فکری، بجز موضوعات فیزیکی و عینی، موضوعی تصویر نشود، توجیه حقوق مالکیت فکری نزدیک به غیرممکن است. مثلاً اگر همان موضوع کتاب را در نظر بگیریم، باید گفت تنها موضوع موجود، همان فیزیک کتاب است که با پدیدآورنده ی مرتبط

^۱ - محمود حکمت نیا، بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری، پیشین، ص ۱۵

بوده و در این صورت وقتی کسی آن را میخرد می تواند هرگونه استفاده ای از آن بکند. از آن چه در نزد برخی حق طبع شمرده می شود، حق شرعی نیست.

۲- برای مالکیت فکری وجود موضوعی جز موضوعات فیزیکی و عینی. سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون عقد و شرط جایز نیست: بر این اساس جدا از شیء فیزیکی، موضوع دیگری که بر آن آثار حقوقی مترتب میشود وجود دارد و با این فرض باید حقوق متناسب بر آن بار شود. موضوع درباره عنوان های موجود در نظام حقوقی اسلام فقط یک مصداق است. نتیجه ی آن که با وجود مشروعیت عرفی مصداق، احکام آن مشروعیت یافته و نیاز به اثبات دلیل بر اعتبار نیست. بر این مبنا برخی فقها بر حق طبع، تألیف و اختراع، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت: این باورند که اهمیت مالکیت فکری کمتر از مالکیت عینی نیست. ما همواره موضوعات را از عرف می گیریم و احکام را از شرع. درباره مالکیت فکری نیز موضوع که حق مالکیت فکری است از عرف گرفته شده و حکم که احترام به آن و حقوق متناسب با آن است از شرع. اسلام می گوید کسی حق ندارد در ملک دیگری بدون رضایت او تصرف کند. عنوان مالکیت فکری به عنوان یک موضوع یا مصداق در شرع وجود ندارد. در نتیجه باید با استناد به قاعده های عمومی، آن را از اراده شارع کشف کرد. آفرینه ی فکری به عنوان یک موضوع مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده، امروزه نسبت به آن رغبت زیادی وجود داشته، مورد داد و ستد قرار گرفته و مردم برای آن پول پرداخت میکنند. به عبارت دیگر، آفرینه فکری مالیت دارد و میتوان آن را مال تلقی نمود. این مال مانند مصادیق دیگر مال در شرع که وجود خارجی دارند دارای ارزش است.^۱ اما در خصوص ماهیت رابطه ی این مال با دارنده ی آن، برخی به دلیل آن که آن را فاقد وصف دوام می دانند، این رابطه را صرفاً یک حق مالی تلقی کرده و مالکیت نمی دانند.

^۱ الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی، نشر میزان، چاپ دهم، تهران، زمستان ۱۳۸۹.

به این ترتیب، با پاسخ دادن به این ایراد و اثبات وصف دوام برای این رابطه، می توان ثابت نمود که رابطه‌ی بین آفرینشی فکری و دارنده‌ی آن مالکیت است نه صرفاً یک حق مالی. در قسمت بعدی به این موضوع پرداخته می شود. البته در این خصوص و در پژوهشهای متعدد صورت گرفته، تلاشهای زیادی در جهت اثبات ماهیت ملکیت بر مبنای قواعد و دلایل فقهی از جمله بنای خردمندان، قاعده‌ی لاضرر، حق سبق و غیره برای تبیین این رابطه انجام گرفته است که در این مقاله مجالی برای طرح آن ها وجود ندارد.^۱

در تطبیق اوصاف مالکیت با رابطه‌ی اموال فکری و دارنده‌ی آن ها باید اشاره نمود که، اموال فکری به معنای خاص با یک بررسی اجمالی در مورد حق مادی مالکیت فکری، روشن میگردد که از بین اوصاف مالکیت (اطلاق، انحصار و دوام) آن چه قابل تأمل است وصف دوام است. دارنده‌ی حق مادی مالکیت فکری به طور انحصاری می تواند از حقوق خود استفاده نماید و اتفاقاً انحصار در اینجا به خاطر ماهیت این حق از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. انحصاری بودن این حق یکی از تضمینات لازم و ضروری جهت حفظ آن بوده و با ماهیت این حق ارتباط مستقیم دارد. دارنده‌ی حق تألیف یک کتاب فقط در صورتی میتواند از این حق سود جوید که در انحصار او باشد و کسی جز او نتواند از این حق استفاده نماید. چرا که ممکن است حتی یک بار استفاده‌ی دیگری، حقوق خسارات جبران ناپذیری را به وی وارد نماید. ماده ۳ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان می گوید پدید آورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر حق معنوی پدید آورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است: در ادامه در ماده ۴ مقرر می دارد که بدین ترتیب اگر حق

^۱ محمود حکمت نیا، محمد محمدی ساوجی، جایگاه مبانی نظری درف هم و ترسیم نظام مالکیت فکری

معنوی را از حقوق مذکور در ماده ۳ استثنا نماییم، این ماده مربوط به حق مادی مالکیت فکری که یکی از اقسام اموال فکری مورد بحث این مقاله است می باشد. که در آن به صراحت، ویژگی انحصاری بودن این حق یادآوری شده است. هم چنین در مواد ۲ و ۳۳ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ به صراحت و روشنی به ویژگی انحصاری حق اختراع اشاره شده است. در قانون جدید ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز در ماده ۳ و قسمت الف ماده ۵، انحصاری بودن حق اختراع مورد تصریح حقوق اختراع ثبت شده منحصرأ به مخترع تعلق دارد: واقع شده است. قسمت الف ماده ۵ این قانون بیان می دارد اما در خصوص وصف دیگر مالکیت، یعنی اطلاق نیز باید گفت دارندهی این دسته از اموال فکری می تواند هرگونه تصرف اعم از انتقال و... را در آن بنماید. و از این جهت محدودیتی برای وی وجود ندارد. عدهای گفته اند دارندهی یک مال فکری به معنای خاص، آن گونه که دارندهی یک عین خارجی میتواند از مملوک خود استفاده نماید، نمیتواند از حق استعمال خود که یکی از تجلیات حق مالکیت است استفاده نماید. پس وصف اطلاق در این زمینه مخدوش میشود. در پاسخ باید گفت چنانکه قبلاً ذکر نمودیم برخی از قیودی که به حق مالکیت وارد می شوند ناشی از طبیعت مال است و ارتباطی به مقید بودن حق مالکیت ندارد. بدیهی است از هر مالی با توجه به خصوصیات و طبیعت آن مال میتوان بهره برداری نمود. از یک خودروسواری نمیتوان به عنوان یک یدککش استفاده کرد. همین ترتیب نیز در اموال فکری به معنای خاص وجود دارد. اموال فکری به معنی خاص نیز با توجه به ماهیت و طبیعتی که دارند فقط میتواند مورد استفادههای خاص واقع شوند و این دلیلی بر آن که وصف اطلاق در این اموال وجود ندارد نیست. برخی دیگر نیز این ایراد را گرفته اند که در اکثر موارد، این دیگران هستند که از مال فکری به معنای خاص استفاده میکنند نه خود پدید آورندهی آفرینه ی فکری و امروزه در نظام سرمایه داری در بیشتر موارد، پدیدآورنده اثر و صاحب اثر یکی نیستند. این استدلال نیز استدلال بسیار ضعیفی است. نتیجه گیری از صورت

غالب و تعمیم آن به سایر موارد و صدور یک حکم کلی، به نوعی قدم گذاردن از مرحله ثبوت به مرحله اثبات است. این که در بیشتر موارد صاحب اثر یا مخترع به موجب یک قرارداد قبل از اختراع (قرارداد های ساخت) یا بعد از آن (مجوز های بهره برداری) حقوق ناشی از اختراع را به دیگران منتقل میکند دلیل نمیشود که خود مخترع نتواند با استفاده از حق فکری، به تولید محصول بپردازد. چراکه در بسیاری موارد، صاحب اثر با حفظ حق تولید یا تکثیر برای خود، در عین حال که حق خود را به دیگری منتقل میکند، خود نیز اقدام به تولید می نماید. توافق قبلی یا بعدی مخترع یا صاحب اثر با دیگری برای تولید انبوه یا تکثیر، هیچ منافاتی با حق او و مطلق و منحصر بودن این حق ندارد.^۱ این مطلب را نیز باید توجه داشت که همانند سایر موارد، در مورد اموال فکری نیز قانون گذاری تواند در جهت حفظ مصالح اجتماعی، محدودیتهایی را وضع نماید و چنان که قبلاً گفتیم این موضوع خللی به وصف اطلاق و انحصار این حق وارد نمیآورد. اما آن چه در این مورد قابل بحث است و قابلیت تملیک این دسته از اموال را زیر سؤال میبرد، تردید در وجود مدت: وصف دوام برای این اموال است. در ماده ۱۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان آمده است استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل میشود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال (طی اصلاحیه جدید پنجاه سال) است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار مدت اعتبار ورقه: هم چنین ماده ۳۳ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ مقرر می داشت. اختراع به تقاضای مخترع ۵ یا ۱۰ یا ۱۵ و یا منتهی ۲۰ سال خواهد بود - در مدت مزبور که باید صراحتاً در ورقه اختراع قید شود مخترع یا قائم مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را

^۱ - محقق داماد یزدی، مصطفی، قواعد فقه، جلد ۲، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه.ق.

ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علامی تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز اعتبار گواهینامه خواهد داشت اختراع را تا مدت ۲۰ سال قرار داده است که پس از آن منقضی میشود.^۱ نویسندگان مختلف به منظور حل این مشکل استدلالات و نظریات متفاوتی را ارایه داده‌اند. برخی با بیان این با مطلب که در فقه ما نمونه های مالکیت موقت وجود دارد، از جمله بدل حیلولة موقت بودن مالکیت منفعت در اجاره و وقف منقطع الاخر، سعی در اثبات این امر داشته اند که اصولاً در نظام حقوقی ما که بر پایه فقه بنا شده، وصف دوام جزو اوصاف مالکیت نیست. و بعد این طور نتیجه گرفته اند که حال که مالکیت موقت امکان پذیر است، اگر منشأ اعتبار را اراده قانون گذار بدانیم، موقت بودن مالکیت فکری با اشکال مواجه نیست. زیرا قانون گذار طبق صلاحدید، مالکیت را از همان ابتدا موقت قرار داده است. هم چنین اظهار نظر نموده اند که ممکن است وصف دوام را برای مالکیت قایل شد ولی میتوان دوام آن را در برخی حالات استثنا کرد. نتیجه این که موقت قلمداد کردن حق مالکیت فکری با مشکل مواجه نیست بلکه عدهای دیگر ضمن پذیرش بدون قید و شرط این موضوع که دوام جزو اوصاف اصلی مالکیت است، درباره ماهیت حقوقی انتقال اموال فکری، آن را با عقد اجاره منطبق دانسته اند. با این توضیح که در عقد اجاره، مالکیت منفعت به صورت موقت محقق می شود پس میتوان انتقال اموال فکری را در قالب اجاره تبیین نمود. برای حل مشکل وجود واژهی عین مستأجره در تعریف اجاره نیز این گونه استدلال کرده اند که این اشکال در اجاره ی اشخاص نیز وجود دارد، زیرا انسان را نمیتوان به اجاره داد و عین مستأجره نامید و به ناچار باید گفت موضوع اجاره، کار و خدمت انسان است. در این صورت چه تفاوت می کند که فعالیت مادی انسان به اجاره داده شود یا فعالیت فکری او؟ عدهای دیگر نیز با بیان این مطلب که اصولاً حق مالی یا مادی پدیدآورنده باید موقت باشد، به

^۱ - محقق داماد پزیدی، مصطفی، قواعد فقه، جلد ۲، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه.ق.

طور تلویحی پذیرفته اند که اموال فکری به معنای خاص استثناست و موقت بودن مالکیت جزو ماهیت این اموال است. سپس در تأیید این نظر این گونه استدلال مینمایند که اثر ادبی یا هنری برای استفاده عموم پدید میآید، بنابراین بعد از مدتی که به رهبرداری مادی از اثر منحصر به پدیدآورنده و وراث او بوده و پس از این که آن ها پاداش خود را دریافت کردند، حقوق فردی نسبت به اثر باید به نفع حقوق جامعه ساقط شود و همگان بتوانند از آن بهره مند گردند.^۱ زمانیکه کسی در هر حوزه ای اعم از ادبیات، هنر، صنعت و... چیز جدیدی را خلق میکند یا ایده ی نویی را ارایه مینماید، بدیهی است که این آفرینهی فکری، محصول اعمال و تفکر او یا به عبارت بهتر نتیجه کار اوست و از آنجا که اشخاص مالک اعمال و افکار و النهایه کار خویش اند، پس این آفرینه ی فکری مملوک وی تلقی میشود. در واقع، پدیدآورنده بر فعل و تفکر و به طور خلاصه بر کار خود و نتیجهی حاصل از آن، مالکیت ذاتی دارد و این حق مالکیت می تواند موضوع احکام حقوقی قرار گیرد. به عبارتی، پدیدآورنده می تواند با انتقال و واگذاری آن به شخص دیگر، با وی طرف قرارداد شود. در این صورت مالکیت ذاتی دارای اثر حقوقی است. مالکیت فکری را که در واقع نتیجه ی کار آفریننده و برگرفته از آزادی بیان و اندیشه است باید در زمره مالکیت ذاتی تکوینی قلمداد نمود. اما آن چه در اینجا موضوع را متفاوت می کند، این مطلب است که همانطور که در برخی نظریات فوق بدان اشاره گردید ولی تحلیل درست و حقوقی به دست داده نشد، هر پدیدآورندهای با اتکا به دانش و یافته ها و داده هایی که بشریت در طول تاریخ در خصوص آن موضوع کسب و ثبت کرده و نسل به نسل آموزش داده شده اقدام به خلق یک ایده و آفرینه ی فکری جدید مینماید. بدیهی است آن چه او به عنوان یک آفرینه ی فکری کاملاً جدید و بکر به بشریت عرضه میکند حتی در بهترین حالات فقط درصد ناچیزی از کل اثر را تشکیل می

^۱ - محمدحسن، حیدری، قابلیت بیع اموال فکری، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه سال ۱۳۸۹، ص ۵۸

دهد. و از آنجا که این درصد ناچیز با کل این اثر درهم آمیخته شده، به طوریکه به صورت جداگانه و مستقل قابل عرضه نیست، می توان به این نتیجه حقوقی رسید که وی در این اثر با تمام بشریت شریک است.^۱ به عبارت بهتر این اثر در مالکیت مشاعی وی و تمام بشریت است. پدیدآورنده به صورت دایم و الی الابد مالک آن قسمتی از آفرینهی فکری است که به طور مطلق محصول فکر اوست که البته با سهم کل بشریت در هم آمیخته است. پدیدآورنده و بعد از وی وراث وی تا ابد میتوانند از منافع این درصد مالکیت مشاعی خویش، بصورت مطلق و انحصاری استفاده نمایند، آن را واگذار کنند و موضوع قرارداد های مختلف قرار دهند. اما اعمال این حق برای پدیدآورنده ای که ممکن است سالیان درازی از عمر خود را صرف آن کرده باشد، نفع اقتصادی ندارد (به دلیل درصد اندک آن) و به همین دلیل، انگیزه انسان ها برای خلق آثار و آفرینه های جدید از بین خواهد رفت. یک نهاد حقوقی که البته در فقه ما نیز سابقه ی طولانی دارد می تواند در جهت حمایت از پدیدآورنده و در نظر گرفتن نفع اقتصادی او، این مشکل را حل نماید. این نهاد حقوقی، مهایات یا همان افراز منافع است. به این ترتیب که پدیدآورنده تا الی الابد مالک آن درصدی است که خود اضافه نموده است ولی منافع کل اثر برای مدت معینی به او تعلق گرفته و پس از آن تمام بشریت می توانند از آن استفاده نمایند.^۲ به این ترتیب میبینیم که وصف دوام نیز در اموال فکری به معنی خاص وجود دارد و قرار دادن مدت معین جهت استفاده اقتصادی از اثر برای پدیدآورنده، در واقع افراز منافع مال مشاع است که هیچ منافاتی با حق مالکیت پدیدآورنده نسبت به آفرینه ی فکری ندارد. با این تفصیل، بدون هیچ مسالهای و بدون توسل به نظریه هایی که بدون تحلیل منطقی و حقوقی مبنایی، مالکیت اموال فکری را قبول یا رد می کنند یا منکر وصف دوام برای مالکیت فکری و حتی خود مالکیت می شوند، می توان ادعا نمود ماهیت رابطهی اموال

^۱ - اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، جلد ۲، نشر عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه ق.

^۲ - طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۳، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه ق.

فکری با دارنده ی آن، رابطه مالکیت می باشد با تمام اوصاف آن نه صرفاً یک حق مالی و نتیجه مهمی که از این بحث حاصل می شود این است که موضوع بیع قرار گرفتن این اموال هیچ ایراد حقوقی ندارد. در خاتمه یادآور می شویم اموال فکری قابل تملیک است و تمامی اوصاف مالکیت در مورد آن جاری است. لیکن نباید از نظر دور داشت آن چه اهمیت دارد این است که این اوصاف در مقام جعل این حق برای پدیدآورد بطور کامل وجود دارد. محدودیت های قانونی که بنا بر مصلحت اجتماع بر این اوصاف تحمیل میشود به هیچ وجه نمی تواند باعث شود که این حق از دایره ی ملکیت خارج شود.^۱ تولیدات فکری همان طور که قبلاً ذکر شد به محصولات ناشی از عملیاتی کردن آفرینه های فکری میگویند. محصولاتی که اولاً ماهیت خارجی داشته و ملموس هستند، ثانیاً در عرف دارای ارزش اقتصادی بوده و مردم برای تحصیل آن رغبت دارند، ثالثاً قابل اختصاص یافتن به اشخاص هستند و به همین دلایل نمونه بارز مفهوم مال هستند و با توجه به آنچه که بدانها به تفصیل اشاره گردید بایستی بیان نمود که قواعد عام حقوق مدنی در خصوص مالکیت مشاعی در مالکیت فکری هم به طور عام راه دارند و احکام و آثار مالکیت مشاعی در حوزه مالکیت فکری نیز حاکمیت دارد و هر آنچه احکام و آثار در خصوص مالکیت مشاعی در حوزه حقوق مدنی می توان جاری و ساری ساخت در حوزه حقوق مالکیت فکری با توجه به مفهوم مشترک مال و مالکیت در حوزه حقوق مالکیت فکری و حوزه حقوق مدنی، میتوان جاری نمود.

بند دوم: قوانین خاص در خصوص مالکیت مشاع در مالکیت فکری:

علی رغم قواعد و مقررات و قوانین عام حقوق مدنی و حقوق مالکیت فکری، قانون گذار بی توجه به امر مال مشاع در حوزه مالکیت فکری نبوده است و در خصوص آن اشارات و بیاناتی داشته است. ابتدائاً به قوانین ماهوی که به صورت مستقیم بدین موضوع اشاره دارد، و سپس در به

^۱ - اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، جلد ۲، نشر عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه ق.

قواعد شکلی و عرفی که در حوزه مالکیت فکری وجود دارد و مالکیت مشاعی را در حوزه خود وارد می نماید اشاره می کنیم.

• قوانین ماهوی مالکیت مشاعی در مالکیت فکری

در حوزه ی مالکیت ادبی و هنری قانونگذار کشورمان در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان سال ۱۳۴۸ در ماده ی ۶ مقرر می دارد که: اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آماده باشد و کار یکایک آنها جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است. همچنین ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی مواد ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای نیز مقرر می دارد که: هرگاه اشخاص متعدد در پدید آوردن نرم افزار مشارکت داشته باشند، چنانکه سهم مشارکت هر یک از پدید آورندگان نرم افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن، به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می گیرد و در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.

به نظر می رسد معیار شناسایی اثر مشترک قابلیت تعیین و تشخیص سهام مشارکتی پدید آورندگان باشد. ولی باید توجه داشت معیار صحیحتر با توجه به قوانین سایر ممالک توجه به همکاری مشترک و هم فکری و خلاقیت در ایجاد اثر می باشد و این که اثر نمایانگر شخصیت پدید آورندگان باشد^۱. علاوه بر این قانون مذکور صرفا به بیان و شناسایی این آثار پرداخته است و به نظر می رسد که برای شناسایی قواعد و راههای به وجود آمدن مالکیت مشاع، باید به قواعد عام حقوق مدنی باز گشت. در زمینه ی اختراع و سایر مالکیت های صنعتی بند الف ماده ی ۵ قانون

^۱ - لوح حق: مجموعه قوانین و مقررات کشور (لوح فشرده)، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها، ۱۳۸۷ش؛

ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ حقوق اختراع را منحصر از آن مخترع می داند و بند ب حقوق ناشی از اختراع مشترک را متعلق به تمام مخترعان می داند. بنابراین اشاعه می تواند ناشی از این باشد که تعدادی از افراد اختراعی را به وجود می آورند و با هم تقاضای ثبت می کنند و اختراع به نام آنها ثبت می شود و نیز بند د از ارث سخن به میان می آورد. به دیگر سخن ورثه ممکن است مالکان مشاع دارایی فکری شوند و این مسأله اختصاص به مال خاصی ندارد و از قواعد عمومی می باشد. قواعد مربوط به ارث هنگامی که اعمال مربوط به ثبت انجام نشده یا تکمیل نشده است پیچیدگی خاصی پیدا می کند اما به اجمال باید گفت که ورثه حق ادامه عملیات ثبتی و تکمیل آن با آغاز کردن آن را دارند. ماده ۳۱ قانون فوق الذکر در مورد علائم تجاری کسی را مالک می دارند که آن را بر اساس تشریفات قانونی ثبت کرده باشد و راجع به اشاعه در این اموال سخنی به میان نمی آورد. علاوه بر این ماده ۲۳ راجع به طرح های صنعتی، مفاد ماده ی ۵ را قابل اعمال می داند که راجع به اوایل مشترک نیز همان طور که ذکر شد بحث های محدودی دارد. این قواعد صرفاً مباحثی را بیان می کنند که بسیار محدود است و حتی در صورت عدم ذکر نیز از روح مقررات قابل برداشت بودند و سایر مباحث به قواعد عمومی قانون مدنی ارجاع داده می شود. بر همین اساس هر یک از شرکا می توانند به نسبت سهم خود در دارایی مشترک تصرف حقوقی کنند خواه منجر به انتقال سهم شود یا این که به واگذاری منافع بیانجامد. بر اساس ماده ۵۸۳ هریک از شرکا می توانند سهم خود را جزئیات به ثالث یا هر یک یا تمام شرکا منتقل کند و نحوه آن مهم نیست و این که طرف قرارداد چند نفر باشد نیز مؤثر در مقام نمی باشد. تصرفات زاید بر سهم خود نیز مشمول قواعد عام مربوط به معاملات فضولی می باشد.^۱ قانونا هیچ یک از شرکا نمی تواند در مال مشترک بدون اذن سایر شرکا تصرف کند و مهم ترین

^۱ - لوح حق: مجموعه قوانین و مقررات کشور (لوح فشرده)، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها، ۱۳۸۷ش؛

علت این مهم منع تصرف در مال غیر است. این مسأله از بدیهیات فقه و نظام مالکیت مشاع قانون مدنی می باشد. بنابر این شخص می تواند سهم خود را از حق اختراع به لیسانس یا بیع یا هر قرارداد دیگری واگذار یا اجازه انتفاع دهد اما بهره برداری از آن چون منوط به تصرف در مال مشاع است، نیازمند اجازه همه شرکا است. این قوانین با توجه به اموال و دارایی های محسوس وضع شده است و مثلاً احتمال این که آیا شخصی مایل می باشد که بر جزء پدیده ای که قطعاً بهره برداری از آن منوط به کلیت آن است، قرار داد لیسانس منعقد کند، محل تردید است. از این گذشته این مباحث حتی در صورت امکان به اموال فکری آسیب بسیار می رساند و شاید برای جلوگیری از این مسائل گفت: در صورت امکان قواعد جاری می شود و این امکان به معنی مفهوم عرفی و رعایت مصلحت می باشد. یعنی مثلاً قراردادهای لیسانس جزئی ممکن نمی باشد. درج مقرره هایی نظیر حق تقدم شرکا در صورت انتقال لازم به نظر می آید و با توجه به این که این مسأله در تاریخ غنی فقه ما غریب نمی باشد و آن نهاد را با دامنه محدود به عنوان حق شفعه می شناسیم بسیار ضروری است. چرا که امروز به دلیل کاربرد کم حق شفعه در زمینه محدود املاک ضرورت رفع شده ای به نظر می رسد اما در مورد دارایی های فکری با برداشتن موانعی نظیر محدودیت تعداد شرکا لازم و ضروری است. در مورد مواردی نظیر علامت های تجاری به دلیل این که هر محصولی با علامت خاصی تولید شود صرف نظر از تولید کننده بیانگر خاصیت و ویژگی هایی است. بنابر این باید به این ویژگی ها نیز توجه خاص داشت. با توجه به قوانین ماهوی که در این زمینه وجود دارد ولی با این حال باید بیان نمود که من جمله فقر قانون گذاری در این زمینه مشکلات زیادی را به وجود می آورد که رجوع به قواعد عام گاهی اوقات این چالش ها را عمیق تر می سازد و لزوم قانون گذاری در این زمینه امری اجتناب ناپذیر می نماید می نماید.

• قواعد شکلی مالکیت مشاعی در مالکیت فکری

یکی از قواعد شکلی و عرفی که در زمینه مالکیت مشاعی در حوزه مالکیت فکری وجود دارد قراردادهای سفارش ساخت در دارایی های مشاع فکری است که در تبیین این قراردادها، قواعد شکلی و عرفی نیز در این خصوص بیان شده است. استصناع یا قرارداد سفارش ساخت، قراردادی بین دو شخص حقیقی یا حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص با احداث طرح ویژه است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمانهای توافق شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت شود. با توجه به این تعریف، دامنه عقد استصناع بسیار گسترده خواهد بود و شامل سفارش ساخت کالاهای بی شمار نظیر فرش، خانه، خودرو، کشتی، هواپیما و طرح ها و سفارش احداث شرکت های کوچک و بزرگ و حتی احداث شهرک ها و مجموعه های بزرگ صنعتی و طراحی یک پروژه یا اصلاح ساختار یک تشکیلات می شود. عقد استصناع عقد مستحدث و جدیدی نیست؛ بلکه از گذشته های دور این عقد مطرح بود و فقیهان بزرگوار بعضی از احکام فقهی آن را نیز مطرح کرده اند. امروزه قرارداد سفارش ساخت در ساخت کالای مادی یا انجام پروژه ها خلاصه نمی شود و متعلق آن می تواند خلقی اثری هنری و یا ایجاد اختراع باشد.

الف) عقد قراردادهای سفارش ساخت در دارایی های مشاع فکری

گاهی پس از گفت و گوهای لازم میان طرفین قراردادی امضا می شود که مطابق آن، سازنده مقداری از مصنوعات خود را به ازای قیمت مشخص به ملکیت سفارش دهنده در می آورد و سفارش دهنده هم این ملکیت را می پذیرد. در این صورت، تملیک و تملک قطعی و بدون حالت انتظار صورت می گیرد. برای مثال شرکتی دانش بنیان با شخصی قراردادی منعقد می کند که به موجب این قرارداد حق اختراعی به قیمت مشخصی به ملکیت شرکت یا بنگاه خاصی در آورد. در

این مورد، تفاوتی بین این قرار داد و بیع ملاحظه نمی شود، جز این که آن کالای مورد معامله، ساخته نشده و خریدار شرط کرده است که فروشنده آن را بسازد و تحویل دهد و انضمام این شرط باعث خارج شدن قرارداد از حقیقت آن یعنی بیع نمی شود؛ زیرا حقیقت بیع گسترده است و نمی توان خالی بودن از این شروط را در آن شرط دانست؛ پس مفهوم بیع بر آن منطبق می شود و باید تمام شرایط درستی بیع را دارا باشد. خواه شرایط خود عقد باشد و خواه شرایط عوضین و یا شرایط فروشنده و خریدار؛ بنابراین، اگر کالای مورد سفارش، موضوعی جزئی باشد، نظیر سفارش ساخت کشتی مشخصی که مقداری از آن ساخته شده است، این سفارش در حقیقت فروختن کالای موجود است مشروط بر این که مقدار باقی بدان ضمیمه شود.^۱ این نوع معامله بیع است؛ البته به شرط این که خصوصیات مشخص باشد. نظیر این که سفارش دهنده شرط کند که سازنده باید ساخت آن کشتی را با خصوصیات معین به اتمام برساند؛ اما اگر کالای مورد سفارش امری کلی باشد، مصداق بیع سلم خواهد بود که طبق نظر مشهور فقیهان، تمام شرایط بیع سلم از جمله دریافت قیمت پیش از متفرق شدن فروشنده و خریدار از مجلس عقد در این قرارداد نیز باید موجود باشد؛ اما اگر تمام قیمت در مجلس و پیش از متفرق شدن طرفین پرداخت نشود گرچه عنوان سلم بر آن صدق نمی کند، باعث باطل شدن این قسم از عقد نمی شود؛ زیرا با صدق عنوان بیع بر این معامله و اطلاق آیه احل الله البیع بر آن، حکم صحت عقد بار می شود. دوم - میان سفارش دهنده و سازنده، عقد و قرارداد قطعی بسته می شود مبنی بر این که سازنده، کالا را بسازد و پس از ساختن، آن را به سفارش دهنده بفروشد. این قسم بیع شمرده نمی شود؛ زیرا در این قرارداد تصریح شده که خرید و فروش پس از ساخت انجام شود؛ اما این قسم مصداق قطعی عقد است و عموم کلام خداوند اوفوا بالعقود شاملش می شود و دلیلی بر تخصیص آن نیز وجود ندارد.

^۱ - غلامرضا لایقی، حق طبع و نشر در کشورهای اسلامی، تهران ۱۳۸۱ ش.

بر این اساس، بر هر یک از طرفین قرار داد واجب است به آنچه در قرارداد آمده و بدان ملتزم شده اند وفا کنند. سوم - در این صورت صرفا مواعده ای میان طرفین صورت می گیرد و هیچ کدام از این دو به چیزی التزام نداده است. بدون شک قرارداد بسته شده میان آنها توأم با اطمینان نیست و هر کدام از طرفین آشکارا بیان کرده که ملزم نیست طبق این قرارداد عمل کند و دلیل شرعی هم بر الزام وجود ندارد؛ پس بر این قسم، عنوان بیع صادق نیست و به طور طبیعی مشمول اطلاق آیه شریفه أحل الله البيع و اوفوا بالعقود نخواهد بود. اگر طرف نخواست، نمی سازد؛ چنان که خریدار نیز پس از آن که کالای مورد توافق بر او عرضه شد، اختیار دارد اگر خواست آن را می خرد و اگر نخواست نمی خرد. همان طور که ذکر شد قراردادهای سفارش ساخت دارای مفهوم گسترده و وسیعی هستند و موضوعات بسیاری را دربر می گیرند و برای اقتصاد جوامع بسیار مفید می باشند. این قراردادها دیگر در ساخت چکمه و شمشیر با ساخت آپارتمان و یا انجام پروژه های پیمانکاری کوچک و بزرگ خلاصه نمی شود و از مفهوم گسترده ای آن برای تولید اموال فکری استفاده می شود. شروط قرار دادی در این قرارداد نیز تا حد امکان و عدم برخورد با قوانین آمره و نظم عمومی رایج است و ممکن است این قرارداد ایجاد اشاعه کند. به هر حال قرار دادهای سفارش ساخت دارای مفهوم وسیع و گسترده ای می باشند. هنگامی که سخن از محصولات ثبت شرکت دانش بنیان می شود مقصود کالاهای مادی و خدمات محسوس نمی باشد، بلکه دارایی های فکری است که شرکت دانش بنیان آن را تولید و عرضه می کنند. هنگامی که بر اساس قرارداد سفارش ساختی شرکت تولید محصول فکری خاصی را به عهده می گیرد، اولین مسأله شروط قراردادی است که باید مد نظر قرار بگیرد مثلاً می توان شرط کرد که در حقوق مادی شریک باشند و سرمایه از جانب سفارش دهنده باشد و نیز سفارش دهنده تعهداتی نظیر تجاری سازی را متقبل شود. ولی اگر شرط خاصی نباشد باید قواعد عام را جاری دانست و محصول را از آن سفارش دهنده دانست و حقوق اخلاقی را از آن مخترعان. بسیاری از مواقع قراردادها شامل

تعهداتی می شود که پس از قرارداد اصلی نیز تداوم می یابد، مانند تعهد به آموزش های خاص. بنابراین به رابطه بین دو طرف در این قراردادها به محض تحویل پایان نمی یابد. هنگامی که سخن از قرار داد سفارش ساخت می شود روابط سازندگان با شرکت نباید پنهان بماند، به دیگر سخن سازندگان در صورتی که مشمول بنده امادهی ۵ باشد و شرط مخالفی نیز در بین نباشد حقوق مادی از آن شرکت خواهد بود. بنابراین محصولی که در راستای وظایف و تحت تعالیم باشد از آن شرکت خواهد بود. منظور حمایت بیشتر از شرکت به نظر می رسد باید همه ی محصولات مرتبط با موضوع شرکت را مشمول بند مذکور بدانیم. این قراردادها در تجاری سازی نقش عمده ای می توانند بازی کنند.^۱ هنگامی که شرکتی سفارش ساخت محصولی را می دهد، نکته اینجاست که بدون زحمت و هزینه ثبت شرکت دانش بنیان محصولی تولید کرده است که دارای بازار و جایگاه داست و فعالیت های تحقیقاتی بازار را انجام گرفته می بیند و می تواند از طریق شروطی نظیر مالکیت اشتراکی بر محصول خود علاقه مالکیت را حفظ کند تا در تکمیل و ایجاد اختراعات جدید و مرتبط با فراغ بال بیشتری عمل کنند. در واقع قرارداد سفارش ساخت دارای گستره وسیع و فراخی برای شروط و ساخت قراردادهای ساخت است و این فرصت مهم و مناسبی برای شرکت های دانش بنیان است. هنگامی که ثبت شرکت دانش بنیان منحل می شود تمامی سرمایه ی آن پس از اتمام مراحل قانونی مشاع بین شرکای شرکت می باشد. همچنین موقعی که شرکتی دانش بنیان با شرکت دانش بنیان دیگری با همکاری هم اقدام به ایجاد دارایی فکری می کنند در حقوق آن به نحو مشاع شریک می باشند.

پس همانطور که می توان نتیجه گرفت این است که در قواعد عرفی و شکلی که در این حوزه وجود دارد، باز می توان با استفاده از قواعد عام حقوق مدنی در حوزه قراردادها، وضعیت حقوقی

^۱ - غلامرضا لایقی، حق طبع و نشر در کشورهای اسلامی، تهران ۱۳۸۱ش.

مالکیت مشاعی را در حوزه حقوق مالکیت فکری ادامه داده و استنتاج نمود و از همان قواعد عام حقوق مدنی کمک گرفت.

نتیجه گیری

مجموعه قوانین مالکیت فکری و مالکیت معنوی، مالک خود را قادر می سازد تا جهت حفاظت از مالکیت خود، اقدامات خاصی را اتخاذ کند. به آن دسته از مالکیت ها که جنبه بهره برداری مالی را شامل می شود مالکیت مادی گفته می شود. همچنین این حقوق مالکیت فکری بر مبنای مصادیق مورد حمایت به دو بخش عمده مالکیت ادبی هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می شود. در حوزه مالکیت معنوی شرایطی پیش می آید که با مالکیت مشاعی مواجه می شویم. در این خصوص نظام حقوقی ایران رویکردی بدین نحو دارد. قواعد عام حقوق مدنی در این خصوص وجود دارد و در نهایت میتوان بیان داشت که احکام و آثار وضعیت مالکیت مشاعی در مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران، تابع قوانین حوزه حقوق مدنی است و قانون مدنی پیشتر توانسته است این موضوع را رفع و حل و فصل نماید. درباره رابطه ی بین موضوع مالکیت فکری و دارنده آن، نظریات مختلفی وجود دارد. منصرف از نظریاتی که اصولاً خود موضوع و این رابطه را منطبق با نظام حقوقی اسلام نمیدانند و دلایل سستی در این خصوص ارایه می کنند؛ باید گفت در این خصوص دو نظریه وجود دارد: نظریه حق مالکیت و نظریه حق مالی. در هر دو نظریه، حقوق مدنی رویکردش در خصوص مالکیت مشاعی در حوزه مالکیت فکری، از همان قواعد عام تبعیت می نماید و بیان میدارد که هر قانونی که در خصوص مالکیت مشاع وجود دارد، به همان شکل در حوزه مالکیت فکری جاری و ساری می باشد. قواعد عام حقوق مدنی در خصوص مالکیت مشاعی در مالکیت فکری هم به طور عام راه دارند و احکام و آثار مالکیت مشاعی در حوزه مالکیت فکری نیز حاکمیت دارد و هر آنچه احکام و آثار در خصوص مالکیت مشاعی در حوزه حقوق مدنی می

توان جاری و ساری ساخت در حوزه حقوق مالکیت فکری با توجه به مفهوم مشترک مال و مالکیت در حوزه حقوق مالکیت فکری و حوزه حقوق مدنی، میتوان جاری نمود. علی رغم قواعد و مقررات و قوانین عام حقوق مدنی و حقوق مالکیت فکری، قانون گذار بی توجه به امر مال مشاع در حوزه مالکیت فکری نبوده است و در خصوص آن اشارات و بیاناتی داشته است. در حوزه مالکیت ادبی و هنری قانونگذار کشورمان در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان سال ۱۳۴۸ در ماده ۶ مقرر می دارد که: اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنها جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است. همچنین ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی مواد ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای نیز مقرر می دارد که: هرگاه اشخاص متعدد در پدید آوردن نرم افزار مشارکت داشته باشند، چنانکه سهم مشارکت هر یک از پدید آورندگان نرم افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن، به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می گیرد و در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است. به نظر می رسد معیار شناسایی اثر مشترک قابلیت تعیین و تشخیص سهام مشارکتی پدید آورندگان باشد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- آدابی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). حقوق ثبت تخصصی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
- اسلامی، شیراز، مجموعه قوانین مالکیت های فکری، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۸۸
- امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، جلد اول، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ایران یارباطی، بابک. (۱۳۸۵). مجموعه نظیر مشورتی حقوقی (۱۳۴۲-۱۳۸۵)، چاپ اول، مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران.
- پورسلیم بناب، جلیل. (۱۳۸۶). بررسی حقوق و نحوه تفکیکی و افراز (املاک اراضی باغات)، انتشارات آریان، چاپ دوم، تهران.
- پورسلیم بناب، جلیل. (۱۳۸۴). بررسی نحوه تفکیک املاک اراضی و باغها و افراز آنها، انتشارات آریان، چاپ دوم، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ. چهارم، ۱۳۸۸

- حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- سرخی، علی. (۱۳۸۵). تقسیم مال مشترک، جلد اول، انتشارات فکر سازان، چاپ دوم، تهران.
- شهری، غلامرضا. (۱۳۸۲). حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ پانزدهم، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، تهران.
- صفایی، سید حسن. (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران.
- قربانیان، حسین. (۱۳۸۸). درآمدی بر مواد ۱۰۱ قانون شهرداری و ۱۵۴ قانون ثبت، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، تهران.
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۲
- کاتوزیان، ناصر، دوره عقود معین، جلد اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۷
- کاشانی، سید محمود. (۱۳۸۵). حقوق مدنی قراردادها، ویژه، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- کریمی، عباس، تقریرات درس حقوق مدنی، دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال ۱۳۸۹
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، جلد ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۸

- میرزایی، علیرضا. (۱۳۸۴). قانون ثبت در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، انتشارات بهنامی، تهران.
- میرزایی، علیرضا. (۱۳۸۵). حقوق ثبت کاربردی و عملی، نشر بهنام، تهران.
- نوروزی، علیرضا، حقوق مالکیت فکری، تهران: انتشارات چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۸

ب) مقالات

- احمد زاده بزاز، سید عبدالمطلب، مالکیت موقت، مجله نامه مفید، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۷۹
- حکمتنیا، محمود، بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۸
- حکمتنیا، محمود، محمدی ساوجی، محمد، جایگاه مبانی نظری درفهم و ترسیم نظام مالکیت فکری، مجله فقه و حقوق، شماره ۸، بهار ۱۳۸۵
- کریمی، عباس، موسوی، اسماء، بیع اموال فکری از منظر حقوق اسلامی، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰
- معین اسلام، محمد و کریمی، عباس، رهن اموال فکری، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷

ج) پایان نامه ها

- حیدری، محمدحسن، قابلیت بیع اموال فکری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۹

چ) منابع خارجی

- اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، جلد ۲، نشر عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه ق.
- خمینی، روح اله، کتاب البیع، ج ۱، قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۸
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۲، بیروت: دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری.
- السنهوری عبدالرزاق احمد، الوسيط، بیروت داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۶
- صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، جلد ۳، دار الاضواء و للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول. ۱۴۲۰
- طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۳، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین (لغت نامه)، جلد ۲، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه ق.
- مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، قم، انتشارات الهادی، چاپ سوم، ۱۳۸۱